

مذهب و مدرنیته در کردستان

تحلیل جامعه‌شناختی اثرگذاری عناصر مدرن بر ارزش‌های مذهبی در جامعه روستایی موکریان

رشید احمدرش* - دکترای جامعه‌شناسی (مطالعات توسعه)، دانشگاه تهران
یاسمن توحیدیان - دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد و احد علوم و تحقیقات

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۸/۲۷ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۴/۳

چکیده

پژوهش حاضر در بازه زمانی نزدیک به دو سال و با مطالعه و مراجعه مستمر به حدود هشتاد روستای مختلف منطقه موسوم به موکریان، واقع در جنوب استان آذربایجان غربی انجام شده است. داده‌های مربوط به مقاله پیش رو با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه روستایی مورد مطالعه، به شیوه کیفی و به روش نظریه زمینه‌ای و با استفاده از فنون مصاحبه‌های عمیق، تاریخ شفاهی و مشارکت میدانی جمع‌آوری شد. پس از انجام مصاحبه‌های عمقی و برگزاری جلسه‌های متعدد بحث گروهی با افراد عادی و نیز نخبگان جامعه، اطلاعات اولیه به دست آمد. مراجعه‌های چندباره به میدان مطالعه به منظور سنجش اعتبار و روایی اطلاعات گردآوری شده و نیز آزمون صحت یافته‌های نظری، تا آخرین مرحله تحقیق ادامه داشت. در بعد نظری، مشخصاً نظریه تحول ارزشی اینگلهارت، و نظریه‌های جدید نوسازی و مدرنیته بازاندیشی شده گیدنز، چارچوب مفهومی تحقیق را تشکیل می‌دهند. با توجه به تغییرات ارزشی ایجاد شده در حوزه باورهای مذهبی، ارزش‌های فردی و جمعی، و نگرش به نمادها و نهادهای مذهبی، می‌توان اذعان داشت که در نتیجه ورود عناصر مدرن به جامعه روستایی مطالعه شده، تغییرات ارزشی و هنجاری گسترده‌ای در زیست‌جهان افراد جامعه مورد نظر صورت گرفته است. تحلیل داده‌های میدانی حاکی از بروز و گسترش تمایلات «دنیاگرایانه» و «تمایل به زندگی ناسوتی» در میان مصاحبه‌شوندگان - البته با شیبی ملایم - است. به نظر می‌رسد که جامعه مورد بررسی با نوعی پارادوکس مواجه است، که از طرفی عقب‌نشینی دین در آن به چشم می‌خورد و از طرف دیگر شاهد سازمان‌یافته شدن بی‌سابقه دین در قالب فرقه‌های غیربومی و وارداتی هستیم؛ که این دومی را با اندک تسامحی می‌توان اسلام سیاسی نامید. به هر حال، ماهیت تغییرات به وجود آمده بیانگر تأثیرپذیری متقابل مذهب و مدرنیته در جامعه مورد مطالعه است.

کلیدواژه‌ها: باورها و ارزش‌های مذهبی، تغییرات ارزشی-هنجاری، جامعه روستایی موکریان، عناصر مدرن، نظریه زمینه‌ای.

مقدمه

هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان پیدا کرد که باورهای مذهبی و مناسک خاص خود را نداشته باشد. امیل دورکیم در تعریف مذهب چنین می‌گوید: «مذهب به هر صورت آن، چیزی نیست جز بیان ارزش‌های اخلاقی هر جامعه و باورداشت‌های دسته‌جمعی افراد آن». باور مذهبی در واقع به این معناست که شخص پاره‌ای از امور را که نزد وی مبدأ مشخصی ندارند، به نیروهای متافیزیکی و فرازمینی ربط می‌دهد و پاسخ پرسش‌های مجهول خود را از این تصورات کسب می‌کند. چنین فردی، هر نوع بدببیری و بداقبالی را به نیروهای فوق طبیعی نسبت می‌دهد (بیتس، ۱۳۸۵، ۶۷۳ و ورسلی، ۱۳۸۰).

شواهد حاکی از آن است که جامعه مورد بررسی در این پژوهش (کردستان) به‌عنوان جامعه‌ای در حال گذار، دستخوش تغییرات و دگرگونی‌هایی در شیوه زندگی و ارزش‌های فرهنگی شده است. بررسی تغییرات ایجادشده، شرایطی که منجر به این تغییرات شده‌اند و پیامدهایی که این تغییرات در آینده جامعه روستایی خواهد داشت، مسائلی هستند که تا کنون بدان‌ها پرداخته نشده است (ازکیا، ۱۳۹۰، ۱۶۹، طالب و عنبری، ۱۳۸۲). در این مقاله به بررسی چرایی و چگونگی تغییرات ایجادشده در حوزه باورها و ارزش‌های مذهبی در مناطق روستایی در منطقه‌ای موسوم به کردستان موکریان پرداخته می‌شود.

پژوهش‌های پیشین درباره کردستان و مسائل آن، عمدتاً معطوف به عوامل سیاسی و قومی بوده و کمتر به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه کردستان پرداخته‌اند. هر چند در سال‌های گذشته و پیرو گسترش آموزش و تحصیلات عالی در کردستان و به دلیل استقبال فراوان جوانان و تحصیل‌کرده‌های کرد از رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی - به‌ویژه جامعه‌شناسی - بر کمیت و کیفیت پژوهش‌های جامعه‌شناختی درباره موضوعات مختلف جامعه کردی افزوده شده است، با این حال، جز در موارد خاص، در بیشتر پژوهش‌های پیشین از روش‌های کمی و اثبات‌گرایانه استفاده شده است و مبتنی بر تحلیل داده‌های ثانویه یا آرشیمی بوده‌اند. مهم‌ترین بررسی‌های مذکور را می‌توان به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم کرد. در

میان پژوهش‌گران خارجی که بیشتر از میان مستشرقان هستند و طی سفرهای علمی-گردشی خود به کردستان مطالبی نگاشته‌اند، می‌توان به افرادی مانند کریس کوچرا (۱۹۹۴)، وازیلی نیکیتین (۱۹۹۹)، وان برونسن (۱۹۹۹)، مک داوول (۱۹۹۱) و جاناتان راندل (۲۰۰۲) اشاره کرد. وجه اشتراک پژوهش‌های آنان، تمرکز بر مسائل سیاسی و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی کردهاست.

در دسته دیگری از پژوهش‌های خارجی، صرفاً موضوع ورود عناصر نوسازی به‌ویژه فناوری‌های جدید- به جوامع سنتی و روستایی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش‌های انجام‌شده را از نظر واحد و سطح تحلیل می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته نخست، بررسی‌هایی است که در سطح خرد انجام شده و واحد تحلیل آنها فرد است، مانند پژوهش محمدپور (۱۳۸۶)، احمدرش (۱۳۸۰)، امان‌اللهی (۱۳۸۱)، و مقدس (۱۳۷۹). در دسته دوم، واحد تحلیل، گروه یا خانواده است، مانند بررسی ایوان (۲۰۰۴). در دسته سوم نیز موضوع نوسازی در سطح کلان بررسی شده و واحد تحلیل، جامعه و یا کشور بوده است؛ پژوهش کالوگرکی (۲۰۰۹) درباره شیوه‌های نوسازی در میان سه کشور اروپایی، و پژوهش کامبیل (۱۹۹۰) درباره مقایسه روند نوسازی و عوامل مؤثر بر آن در میان شش کشور آسیایی، از این قبیل است.

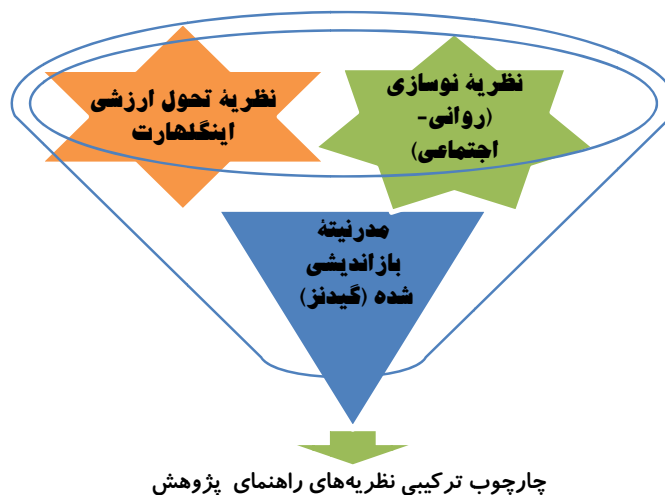
چارچوب مفهومی

در خصوص نوسازی جوامع به‌ویژه جوامع جهان سوم- دو رویکرد غالب و تا حدودی جدا از هم وجود دارد. رویکرد نخست، رویکرد کمی به توسعه است، که عمدتاً در قالب نوسازی و نحله‌های مختلف آن بروز می‌یابد و در همه گونه‌های آن، بر گذار حتمی، مشابه و متجانس اجتماعات و گروه‌های مختلف جوامع انسانی از زندگی سنتی و پیشامدرن به جامعه‌ای صنعتی و مدرن با مشخصه تولید و مصرف انبوه تأکید می‌گردد و نقش کنشگران اجتماعی در آنها نادیده یا کم‌اهمیت انگاشته می‌شود. رویکرد دوم، رویکردی کیفی، یا تفسیری و برساختی است که در

رشید احمد رش و یاسمن توحیدیان ————— مذهب و مدرنیته در کردستان؛ تحلیل جامعه‌شناختی اثرگذاری ...

آن به نقش کنشگران اجتماعی در فرایند توسعه و نوسازی اهمیت بیشتری داده می‌شود. طرفداران رویکرد دوم معتقدند که کنشگران اجتماعی، تحت تأثیر ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و اجتماعی منحصربه‌فردشان، واکنشی انتخابی و بازاندیشانه به عوامل نوسازی دارند (Leftwich, 1998, میر، ۱۳۸۴).

چارچوب مفهومی پژوهش حاضر را ترکیبی از نظریه‌های دگرگونی ارزشی اینگلهارت، نظریه‌های نوسازی به‌ویژه نظریه‌های روانی-اجتماعی نوسازی (آرا و اندیشه‌های متفکرانی مانند انگلس، لرنر، مک‌کله‌لند، راجرز و دیگران) و نیز نظریه‌های ملهم از آثار و اندیشه‌های وبر که به جامعه‌شناسی تفهیمی مشهور است، با تأکید بر نظریه مدرنیته بازاندیشی‌شده گیدنز تشکیل می‌دهد، که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود.



شکل ۱. نظریه‌های عمده راهنمای پژوهش

روش پژوهش

«روش بیانگر شیوه دقیق نزدیک‌شدن به عالم برای فهم بهتر آن است» (سایر، ۱۳۸۵، ۱۳). به تبع تعریف مذکور، پژوهش کیفی در واقع تحقیقی است که یافته‌های آن با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی‌کردن به دست می‌آید (بلیکی، ۱۳۸۴، ۳۰۱). نکته مهم در خصوص روش‌های کیفی این است که علاوه بر مستندسازی تجربه فردی، ایدئولوژی و ذهنیت‌ها، با استفاده از آنها می‌توان اطلاعاتی را در خصوص ساختارهای اجتماعی و جنبش‌ها و نهادهای اجتماعی ارائه کرد (Fronzosi, 1998, 517). از این رو، هر تحقیق کیفی حتی اگر طراحی آن ضعیف باشد، می‌تواند اشاره‌های ارزشمندی را برای نظریه‌سازی در خود داشته باشد (Alasutari, 1996, 382). بنابراین، روش‌شناسی کیفی ابزارهای لازم را برای توجه به معنا، قدرت و تعامل در حیات اجتماعی فراهم می‌سازد و قدرت عمل بیشتری به سوژه‌های مورد مطالعه در تحقیقات می‌بخشد (ذکایی، ۱۳۸۱، ۱).

نظریه زمینه‌ای سه عنصر اصلی دارد که عبارت‌اند از مفاهیم، مقوله‌ها و قضایا. مفاهیم، واحدهای اساسی تحلیل در تئوری بنیانی هستند که از «کدگذاری باز» داده‌های خام به دست می‌آیند. دومین عنصر نظریه زمینه‌ای، مقوله‌ها هستند که کوربن و اشتراوس (۷، ۱۳۸۵) آن را چنین تعریف می‌کنند: «مقوله‌ها در سطح بالاتر و تجریدی‌تری از مفاهیمی که نمایش می‌دهند، قرار دارند. آنها نیز با همان فرایند تحلیلی‌ای که مفاهیم سطح پایین ایجاد شده‌اند - یعنی از طریق انجام مقایسه‌ها برای روشن کردن شباهت‌ها و اختلاف‌ها- ساخته می‌شوند». به اعتقاد آنها، مقوله‌ها زیربنای بسط نظریه‌اند. مقوله‌ها ابزارهایی فراهم می‌کنند که با آنها می‌توان نظریه را انسجام بخشید. به عبارت دیگر، رمزگذاری و گروه‌بندی مفاهیم و مقایسه مداوم آنها برای رسیدن به سطح تجرید بالاتر، مقوله‌ها را در مرحله «کدگذاری محوری» به وجود می‌آورد. قضایا سومین عنصر نظریه زمینه‌ای هستند. آنها روابط تعمیم‌یافته را میان یک مقوله و مفاهیم آن و نیز میان مقوله‌های جداگانه نشان می‌دهند (ازکیا و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۳۱).

در مقاله حاضر، از دو رویکرد نظریه زمینه‌ای و روش‌شناسی مردمی، به عنوان رویکردهای اصلی روش تحقیق کیفی و نیز از تکنیک‌های مصاحبه نیمه‌باز و عمیق و سنجش‌های غیرواکنشی (اسناد و مدارک) استفاده شده است.

اعتبار و پایایی پژوهش

در پژوهش‌های کیفی، بیشتر به موضوع اعتبار پرداخته می‌شود تا پایایی (این امر ناشی از ماهیت هستی‌شناختی و فلسفی روش‌های پژوهش کیفی است). به اعتقاد فلیک (۲۰۱۰، ۱۳۸۷)، یکی از روش‌های افزایش اعتبار، «باورپذیر کردن گزینشی» است. منظور وی از اصطلاح مذکور، مستدل کردن متن با نقل‌قول‌هایی پذیرفتنی است. در پژوهش حاضر، موارد متعددی از این نقل‌قول‌ها به منظور باورپذیر کردن یافته‌های تحقیق بیان شده است. برای سنجش اعتبار و پایایی در پژوهش‌های کیفی به طور کلی و مصاحبه‌های عمیق و تاریخ شفاهی به طور خاص، از روش زاویه‌بندی^۱ استفاده می‌شود، که در آن سه زاویه یا منبع برای ارزیابی و صحت به کار گرفته می‌شود. به‌منظور بررسی صحت تاریخ شفاهی مانند سایر مدارک تاریخی- انسجام داخلی و انجام مقایسه با سایر منابع، روش‌ها و یافته‌های پژوهشگران لازم است (محمدزاده، ۱۳۸۸). زاویه‌بندی از مناسب‌ترین و پرترفدارترین راهبردهای اعتبارسنجی در پژوهش کیفی قلمداد می‌شود. راهبرد مذکور، همگرایی مبتنی بر یافته‌ای خاص با استفاده از انواع متفاوت روش‌ها، نظریه‌ها، رویکردها، پژوهش‌گران و منابع اطلاعاتی است (محمدپور، ۱۳۸۹، ۶۹). برای سنجش اعتبار یافته‌های پژوهش حاضر، علاوه بر استفاده از منابع داده‌ای مختلف، ابتدا یافته‌ها را با متخصصان توسعه روستایی، استادان راهنما و مشاور، دانشجویان مقطع دکترای دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تعدادی از نخبگان و تحصیل‌کرده‌های گُرد که

1. Triangulation

قبلاً با برخی از آنها مصاحبه‌هایی انجام داده و جلسه‌های بحث گروهی نیز برگزار کرده بودیم. در میان گذاشتیم. افزون بر این، مقایسه یافته‌های پژوهش با برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی پیشین (برای نمونه، پژوهش‌های از کیا، رفیع‌فر و محمدپور) به افزایش اعتبار یافته‌های بررسی بسیار کمک کرد. همچنین از آنجا که به‌زعم لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) به نقل از فلیک (۱۳۸۷، ۴۲۰) «تطابق برساخته‌های پژوهشگر با برساخته‌های افراد مورد بررسی، بیانگر اعتبار و باورپذیری یافته‌های پژوهش است»، در پژوهش حاضر با «حضور طولانی‌مدت در میدان»، «مشاهده مداوم» و «چندبعدی کردن روش» برای افزایش اعتبار آن تلاش شد.

جامعه مورد بررسی در مطالعه حاضر، مناطق روستایی در کردستان موکریان (شامل شهرهای مهاباد، بوکان و پیرانشهر، نقده، اشنویه و سردشت) است، که از میان آنها با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، سه شهر مهاباد، بوکان و پیرانشهر به‌عنوان سه شهر اصلی در منطقه انتخاب شدند. در سه شهر مذکور نیز ۱۰ روستا برحسب ویژگی‌ها و دوری و نزدیکی‌شان به شهر انتخاب شدند و با استفاده از تکنیک گلوله برفی، افراد روستایی به عنوان جمعیت نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند.

فرایند نمونه‌گیری

ماهیت و چگونگی نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی، با روند متداول نمونه‌گیری در تحقیقات کمی تفاوت بسیاری دارد. در تحقیقات کیفی، چون گستره جمعیت مورد مطالعه و حجم نمونه از ابتدا مشخص نیست، نمونه قدم به قدم و در حین جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها تکمیل می‌شود، لذا میزان نمونه در حوزه‌ها و مقوله‌های مختلف با یکدیگر تفاوت می‌یابد. گلیزر و اشتراوس از «اصل‌گزینش تدریجی نمونه‌ها» صحبت می‌کنند و این امر مشابهت زیادی با مفهوم «زاویه‌بندی» دنزین (۱۹۸۹) دارد. طبق پیشنهاد دنزین، در تحقیق حاضر نیز «یک پدیده» در زمان‌ها و مکان‌ها و با اشخاص متفاوتی مطالعه شده و از دو نوع نمونه‌گیری به

صورت هم‌زمان استفاده شده است. این دو نوع نمونه‌گیری عبارت‌اند از نمونه‌گیری هدفمند^۱ و نمونه‌گیری نظری^۲. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

در مطالعه پیش رو برای انجام بحث گروهی، پس از حضور یافتن اعضا و هماهنگی‌های اولیه، مراحل زیر به ترتیب دنبال شدند:

مقدمه بحث: محقق ابتدا ضمن ارائه توضیحاتی در خصوص اهداف این مطالعه و تأکید بر این امر که مطالعه پیش رو تحقیقی دانشگاهی است، به منظور آگاه ساختن حضاران در جلسه، به طور مختصر مطالبی را درباره تاریخ معاصر ایران و سپس کردستان - که مقارن است با ورود عناصر نوسازی و مدرنیته - ذکر می‌کرد. آنگاه به ترتیب پرسش‌هایی درباره باورهای مذهبی و اعتقادی مردم مطرح می‌شد.

ورود به بحث: معمولاً با یک پرسش کلی و اصلی درباره موضوع مورد بررسی و مشخصاً متغیر مورد نظر وارد بحث می‌شدیم. آنگاه در حین بحث پرسش‌های جزئی‌تر و فرعی نیز برای روشن‌تر شدن ابعاد مسئله پرسیده می‌شد. بررسی عمیق هر یک از پرسش‌های اصلی و سؤال‌های جزئی‌تر در ادامه این مرحله صورت می‌گرفت.

خاتمه: ضمن جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از بحث - که زمان آن بین یک تا یک‌ونیم ساعت در نوسان بود - از حضور و همکاری شرکت‌کنندگان تشکر می‌شد و گاه از آنان می‌خواستیم که افراد دیگری را برای شرکت در جلسه‌های بعدی معرفی کنند.

1. Purposive sampling
2. Theoretical sampling

بنابر آنچه گفته شد، برگزاری جلسه با گروه‌های محوری، شیوه‌ای برای گوش دادن به مردم و آموختن از آنهاست که به شرکت‌کنندگان مجال دسترسی به تعاملی چهره به چهره و صمیمی را می‌دهد و محیطی امن را نیز برای ابراز عقاید فراهم می‌کند. گروه تا حدی می‌تواند شرکت‌کنندگانی را که بخواهند اطلاعات غیرقابل اعتماد و یا پاسخ‌های غلط بدهند کنترل کند (آییل، ۱۹۹۴، ۸). ما در این مطالعه ۱۴ مورد گروه محوری را در دو گروه نخبگان و کارشناسان اجتماعی، فرهنگی و مطلعان مسائل تاریخی منطقه - ۵ مورد - و مطلعان و افراد پیشروی روستا - ۹ مورد - برگزیدیم، که اطلاعات مربوط به جلسات بحث با آنها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مشخصات جلسه‌های بحث گروهی

ردیف	ماهیت شرکت‌کنندگان	تعداد شرکت‌کنندگان	جنسیت	محل تشکیل جلسه	مدت زمان به دقیقه	شهر-روستا
۱	مشاغل مختلف	۸	مرد	مسجد	حدود یک ساعت	بوکان-ناچیت
۲	مشاغل مختلف	۱۲	مختلط	مزرعه	حدود نیم ساعت	پیرانشهر- لک بن
۳	خانه‌دار	۵	زن	منزل یکی از آشنایان	حدود ۴۵ دقیقه	پیرانشهر- پسوه
۴	جوانان روستایی	۸	مرد	محل دهیاری	حدود ۱/۵ ساعت	مهاباد- گوگ‌تپه
۵	معمرها	۶	مرد	حیاط مسجد	حدود یک ساعت	بوکان - حمامیان
۶	مشاغل مختلف	۹	مختلط	مدرسه روستا	حدود یک ساعت	مهاباد-دریاس
۷	زنان	۷	زن	خانه بهداشت	حدود ۱/۵ ساعت	پیرانشهر- خورنج
۸	جوانان	۱۲	مرد	زمین بازی فوتبال	حدود ۲ ساعت	مهاباد- دهبکر
۹	افراد مختلف	۱۰	مرد	مسجد روستا	حدود ۲ ساعت	بوکان- یکشوه
۱۰	شوراهای اسلامی	۹	مرد	دهیاری	حدود ۲ ساعت	پیرانشهر- سروکائی
۱۱	نخبگان محلی	۷	مختلط	دانشگاه	حدود ۲ ساعت	بوکان- پیام نور
۱۲	نخبگان محلی	۵	مرد	منزل محقق	حدود ۲ ساعت	بوکان
۱۳	تحصیل‌کردگان روستایی	۸	مختلط	دهیاری	حدود ۱/۵ ساعت	پیرانشهر- پسوه
۱۴	دختران روستایی	۱۱	زن	خانه بهداشت	حدود ۲ ساعت	مهاباد- خلیفان

در تمامی مراحل نمونه‌گیری و مراجعه به روستاها و انجام مصاحبه یا برگزاری جلسه‌های بحث گروهی، کوشش شد تا با اقشار مختلف زن و مرد، پیر و جوان، و تحصیل کرده و بی‌سواد در زمان‌ها و مکان‌های مختلف مصاحبه شود. شکل مصاحبه‌ها اغلب باز و آزاد بود و تنها در حد هدایت بحث و طرح پرسش، مداخله‌هایی صورت می‌گرفت. بلافاصله پس از برگشت از روستا ضمن بررسی یادداشت‌های میدانی‌ای که ضمن مصاحبه‌ها برداشته می‌شد، اقدام به پیاده کردن نوارهای صوتی و مشاهده تصاویر می‌گردید. پس از این مراجعه‌های اولیه کم‌کم تحدید موضوع مورد مطالعه آغاز شد و چند جلسه بحث گروهی صرفاً با مطلعان و نخبگان محلی (که عمدتاً تحصیل کرده و دارای مدارج دانشگاهی در حوزه علوم انسانی بودند) برگزار گردید.

جدول ۲. تعداد مفاهیم و مقوله‌های جزء

ردیف	حوزه مورد مطالعه	تعداد مفاهیم استخراج شده	تعداد مقوله‌های جزئی استخراج شده	تعداد مقوله‌های عمده ادغام شده
۱	باورها و اعتقادات مذهبی	۱۷۸	۱۲	۴

با توجه به روش تحلیلی مورد استفاده - یعنی نظریه مبنایی - کار مراجعه به میدان، انجام مصاحبه‌ها و تحلیل هم‌زمان آنها تا آخرین مراحل تحقیق ادامه داشت. البته کار پیاده کردن نوارهای ضبط شده که اغلب با دوربین فیلم‌برداری ساده و در بسیاری از مواقع نیز با استفاده از گوشی تلفن همراه صورت می‌گرفت، بسیار دشوار و زمان‌بر بود، به‌ویژه آنکه بسیاری از روستاییان به زبان کردی صحبت می‌کردند و ما ناگزیر بودیم که آنها را به فارسی برگردانیم. در مراحل بعدی مراجعه به روستا، بر موضوع مورد مطالعه و پرسش‌های تحقیق تمرکز بیشتری صورت گرفت.

فرایند مفهوم‌سازی

مفهوم‌پردازی از داده‌ها نخستین گام در تجزیه و تحلیل به شمار می‌رود. خردکردن و مفهوم‌پردازی بدین معناست که پس از انتخاب مورد مشاهده یا جمله و یا پاراگرافی آن را به اجزایی تقسیم می‌کنیم و برای هر کدام از حوادث، ایده‌ها یا رخدادها نامی را که یا نشانه آن پدیده است و یا به جای آن می‌نشیند، قرار می‌دهیم (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵، ۶۳). پس از کدگذاری و ایجاد مفاهیم، مقایسه آنها با یکدیگر و تشکیل مقوله‌ها، از نمونه‌گیری نظری برای انتخاب شرکت‌کننده‌های بعدی استفاده شد. داده‌های حاصل از مصاحبه‌های اولیه، علاوه بر اینکه ذهن را متوجه موضوعات جدید کرد، پژوهشگران را به سمت پرسش از شرکت‌کنندگان دیگری - به‌خصوص از نسل‌های دیگر- در مصاحبه‌های بعدی هدایت کرد. این روند تا زمان برگزاری آخرین مصاحبه و رسیدن به مرحله اشباع ادامه یافت. در واقع داده‌های حاصل از هر مصاحبه، مقوله‌های ایجادشده و فرایند برقراری ارتباط بین مقوله‌ها بر اساس معیارهای نظریه زمینه‌ای، همگی فرایند پرسش‌گری را به سوی انتخاب افرادی از جنس‌ها و نسل‌های مختلف سوق داد.

تحلیل تغییرات در حوزه اعتقادات و باورهای مذهبی

در گذشته مردم روستاها در برابر ورود هر نوع تکنولوژی و ارزش‌های بیگانه به روستا مقاومت می‌کردند، ولی اکنون اکثر تکنولوژی‌هایی که در کلان‌شهرها موجود است در روستاها نیز دیده می‌شوند. ورود این تکنولوژی‌ها تأثیر زیادی بر اعتقادات و باورهای مذهبی مردم گذاشته است. ماهواره یکی از این تکنولوژی‌های قدرتمند و تأثیرگذار جدید است که اینک در اکثر خانه‌ها یافت می‌شود. ورود این وسیله به روستاها باعث شده است که کانال‌های ماهواره‌ای ارزش‌های مورد نظرشان را که در بسیاری از موارد با ارزش‌های جامعه روستایی در تضادند، به مردم تزریق

کنند. یکی از روستاییان مشارکت‌کننده در جلسات بحث گروهی درباره تغییرات به وجود آمده در این حوزه می‌گوید:

«زمانی که جوان بودیم همراه پدرانمان به مسجد می‌رفتیم و در عید هم صبح زود بلند می‌شدیم و به دیدن همسایه‌ها می‌رفتیم. جوانان الآن زیاد به مسجد نمی‌آیند، در عید نیز جوانان به جای سرزدن به همسایه‌هایشان در روستا، به شهر می‌روند و آنجا گردش می‌کنند...» (مرد، ۴۵ساله).

نرین یکی از دختران تحصیل‌کرده روستایی و از نسل سومی‌ها که ۲۶ سال دارد، درباره تأثیرات رسانه‌های دیداری، به ویژه ماهواره معتقد است که: «بر جوانان تأثیر چشمگیری داشته اما تأثیر چندانی بر افراد مسنی همچون پدر و مادر یا عموهاییم نداشته است. جوانان، دیگر نماز نخواندن را از گناهان بزرگ نمی‌دانند و یک‌جورهایی بی‌خیال شده‌اند. من نماز می‌خوانم، روزه هم می‌گیرم، ولی خب دوستانی دارم که نماز نمی‌خوانند و زیاد هم برایشان مهم نیست» (زن، ۲۶ساله).

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، پس از خواندن جمله به جمله متن مصاحبه‌های پیاده‌شده، به‌منظور سهولت در انجام کار، به مجموعه مشترکی از مفاهیم کدهای مشابهی دادیم تا مقوله‌سازی و دسته‌بندی اطلاعات را در سطحی انتزاعی آسان‌تر سازد. شایان ذکر است که در مطالعات داخلی و خارجی انجام شده، معمولاً چنین کاری صورت نگرفته است، ولی ما پس از مطالعه مجموعه مفصلی از داده‌های خام، به این نتیجه رسیدیم که اختصاص کد به مفاهیم مشابه به سهولت کار کمک فراوانی خواهد کرد. در مرحله مذکور کوشش شده است تا بیشتر از «کدهای زنده» استفاده شود.

جدول ۳. نمونه‌ای از داده‌های اولیه و مفاهیم حاصل از آنها
در حوزه باورها و اعتقادات مذهبی مردم

ردیف	داده‌های اولیه یا خام برگرفته از مصاحبه با روستائیان	مفاهیم	کد
۱	از ویژگی‌های برجسته مردم روستا که امروز هم زیاد تغییر نکرده، سرنوشت‌گرایی و اعتقاد به قضا و قدر است.	سرنوشت‌گرایی (قضا و قدر)	۴
۲	اعتقاد مردم روستا در گذشته که هنوز باقی مانده اعتقاد به نفوس بد و بدچشمی است.	نفوس بد و بدچشمی	
۳	بیشتر مردم روستا در گذشته در برابر مآها و ریش‌سفیدان مطیع بودند، ولی امروزه با ورود رسانه‌های جمعی این امر کمتر شده است.	کاهش اطاعت از ریش‌سفیدان و ملاها	۲
		اثر منفی رسانه‌ها بر مذهب	۱
۴	در گذشته مردم روستا بسیار مذهبی‌تر از امروز بودند.	پایبندی بیشتر به مذهب در گذشته	۱
۵	امروزه با ورود ماهواره و تلویزیون و مانند اینها، مذهب کم‌رنگ‌تر شده است.	کم‌رنگ شدن مذهب بر اثر رسانه‌ها	۱
۶	در قدیم روحیه قناعت و راضی بودن به امکانات و بی‌توجهی به تجملات وجود داشت.	کاهش قناعت و رضایت	۱
		افزایش توجه به تجملات زندگی	۱
۷	امروز جای قناعت و شکر و راضی بودن به امکانات را نارضایتی و چشم و هم‌چشمی گرفته است.	چشم و هم‌چشمی در استفاده از امکانات	۱
۸	خرافات و کهنه‌پرستی با ورود رسانه‌ها و بالا رفتن آگاهی مردم کم شده است.	کاهش خرافات	۳
		آگاهی مردم بر اثر رسانه‌ها	۳
۹	اعتقاد به نیروی خارق‌العاده نفس مشایخ در اکثر آوازاها و لالایی‌های گذشته باقی مانده است.	کاهش باور به شیخ و مشایخ	۲

جدول ۴. عمده‌ترین مقوله‌های استخراج‌شده، به تفکیک ابعاد شرایطی، تعاملی و پیامدی

نوع مقوله (زمینه‌ای، تعاملی، پیامدی)	مقوله‌های عمده	مقوله‌های جزء	حوزه مورد بررسی
پیامدی	دنیاگرایی یا گرایش به زندگی ناسوتی	۱. دنیاگرایی یا گرایش به زندگی ناسوتی	مذهب
پیامدی		۲. تضعیف اقتدار سنتی یا تضعیف جایگاه مردان دین	
زمینه‌ای		۳. ارتقای آگاهی مذهبی مردم	
تعاملی		۴. مقاومت مذهبی یا تداوم نقش مذهب	

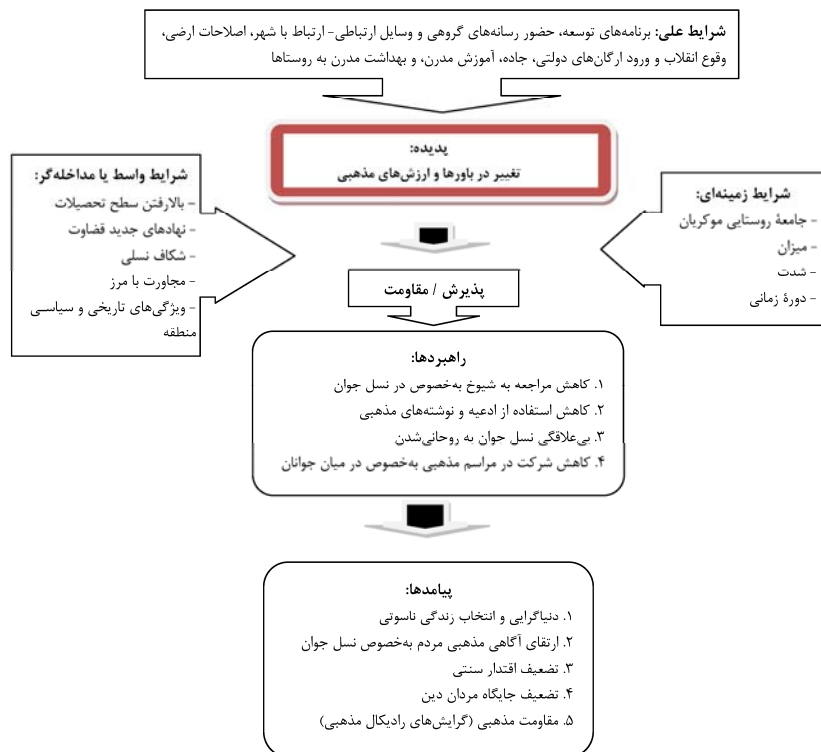
فرایند ساخت مقوله‌های اصلی و فرعی (کدگذاری محوری): در این مرحله از تحقیق، مفاهیم و مقوله‌های اولیه به دست آمده در مرحله کدگذاری باز، بار دیگر و با استفاده از مدل پارادایمی در پیوند با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفتند. در اینجا نیز از دو استراتژی «سؤال کردن» و «مقایسه کردن» استفاده شده است.

شرایط علی: همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، مجموعه‌ای از عوامل جدید، که در این تحقیق «عناصر مدرن» نام گرفته‌اند، بر تغییرات به وجود آمده در حوزه «باورها و ارزش‌های مذهبی» تأثیر گذاشته‌اند؛ و از مهم‌ترین این عوامل می‌توان به گسترش دامنه «آموزش‌های نوین» اشاره کرد. هرچند جنبش تأسیس مدارس جدید پیش از انقلاب آغاز شده بود و تعداد زیادی از معلم‌ها و آموزگاران در قالب «سپاه دانش» و به تعداد کمتری در کسوت «سپاه بهداشت» وارد کردستان شده بودند، ولی این امر تنها به روستاهای نزدیک مراکز شهری و روستاهای بزرگ محدود می‌شد و بسیاری از روستاهای دورافتاده و کوهستانی کردستان در عمل از امکانات تحصیلی جدید - اعم از تعبیه مکانی به عنوان مدرسه و یا اختصاص آموزگار

برای آموزش و تدریس - محروم بودند. روند مدرسه‌سازی و ارائه خدمات زیربنایی به روستاهای کردستان، پس از وقفه کوتاهی بعد از انقلاب و آغاز جنگ ایران و عراق و ناامنی‌های اوایل انقلاب، شروع شد. در برهه زمانی نزدیک به پانزده سال، بیشتر روستاهای منطقه کردستان موکریان از امکاناتی مانند مدرسه و بعداً «خانه‌های بهداشت» و به مرور سایر امکانات از قبیل برق، آب آشامیدنی، جاده ارتباطی، خطوط تلفن و نظایر اینها برخوردار شدند. ورود این عوامل - که بعضی از آنها برای جامعه روستایی تازگی داشت - باعث بروز و ظهور تغییرات گسترده‌ای در تمامی حوزه‌های زندگی و از جمله در «باورها و ارزش‌های مذهبی» مردم شد. ساکنان عمدتاً بی‌سواد منطقه که براساس آموزه‌های روحانی‌ها و ممانعت و سخت‌گیری اربابان از فرستادن فرزندان‌شان به مدرسه‌های جدید خودداری می‌کردند، به تدریج به این کار اقبال نشان دادند. بسیاری از روحانی‌ها به دلایلی از جمله ترس از «تضعیف و از دست دادن اقتدار سنتی‌شان»، از آموزش‌های جدید تحت عنوان «درس شیطان» و «رواج بی‌دینی» نام می‌بردند.

مردم کردستان به طور کلی و جامعه روستایی موکریان به طور خاص، تا قبل از اجرای اصلاحات ارضی و به‌خصوص پیش از همه‌گیر شدن «آموزش‌های رسمی نوین» و آموزش‌های غیررسمی رسانه‌های جمعی نظیر تلویزیون و خصوصاً کانال‌های ماهواره‌ای، شدیداً مذهبی بودند و به تبع آن روحانی‌ها و به‌ویژه شیوخ منزلت بالایی داشتند. با این حال، به رغم کاهش محبوبیت و تضعیف جایگاه این دو قشر مذهبی - که به طور سنتی با یکدیگر میانه خوبی نداشتند - نزد جوانان و نسل دومی‌ها و سومی‌های جامعه، هنوز هم در میان نسل اولی‌ها احترام نسبی دارند و برخی از «خانقاه»های منطقه هنوز هم - به‌ویژه در ایام بیکاری و فصل پاییز و زمستان - رونق نسبی دارند. با این حال تغییر در ارزش‌ها و باورهای مذهبی مردم مشهود است.

افزون بر عوامل گفته‌شده، می‌توان به تأسیس نهادهای جدید مذهبی، ارتقای آگاهی مذهبی مردم و شکاف نسلی اشاره کرد، که به بروز و ظهور تغییرات در باورها و ارزش‌های مذهبی دامن زده است.



شکل ۲. مدل پارادایمی مربوط به تغییر در باورها و ارزش‌های مذهبی

شرایط زمینه‌ای: منطقه کردستان موکریان از دیرباز به‌لحاظ تاریخی، اهمیت فراوانی داشته، زیرا در محدوده مرزی سه کشور ایران، عراق و ترکیه قرار گرفته است. از این رو در طول تاریخ، مناسبات سیاسی بین کشورهای ذکرشده، به گونه‌های مختلف بر زندگی و وضعیت ساکنان منطقه تأثیر گذاشته است. برای نمونه، دولت‌های عثمانی و صفویه، هر کدام به دلایل و منافع خاص خود در زمان جنگ از کردها - که اصالتاً مردمانی جنگجو و سلحشورند - علیه یکدیگر استفاده کردند. بنابراین، منطقه موکریان به لحاظ تاریخی، جغرافیایی و سیاسی، همواره

اهمیتی استراتژیک داشته و همین امر سبب شده است که جنبش‌های متعدد سیاسی، نظامی و اجتماعی در این منطقه پدید آید. اهمیت موارد تاریخی فوق در آن است که به نوع و ماهیت تغییرات ناشی از ورود عناصر مدرن، خصوصیت‌های ویژه و گاه منحصر به فردی می‌بخشد؛ چنان‌که موکریان، مرکز عمده‌ترین جنبش سیاسی معاصر کردی - یعنی جمهوری خودمختار کردستان - در سال ۱۹۴۶ میلادی (۱۲۳۴ شمسی) به مرکزیت مهاباد بوده است.

شرایط مداخله‌گر کنش: در کنار عوامل علی که بر پدیده «تغییر در باورها و ارزش‌های مذهبی» تأثیر گذاشته‌اند، می‌توان به مجموعه‌ای از عوامل مداخله‌گر کنش نظیر «بالارفتن سطح تحصیلات افراد» نیز اشاره کرد. تحقیقات انجام‌شده در حوزه تغییرات فرهنگی و اجتماعی بیانگر این واقعیت است که با بالا رفتن سطح تحصیلات افراد، به‌ویژه با همه‌گیر شدن استفاده از عناصر مدرن و گسترش نوسازی، «تمایلات دنیاگرایانه» در میان افراد بیشتر می‌شود. مطالعات اینگلهارت و مک‌کله‌لند نیز مبین واقعیت مورد اشاره است. بالا رفتن سطح تحصیلات افراد به «ارتقای آگاهی مذهبی و حقوقی مردم» کمک فراوانی می‌کند. مطالعات و مشاهدات در حوزه مورد مطالعه، نشان می‌دهد که افراد سالخورده و عموماً بی‌سواد روستایی همچنان پایبند باورهای مذهبی و سنتی‌اند و در مقابل، جوانان و افراد تحصیل‌کرده «تساهل» بیشتری در این زمینه دارند؛ به گونه‌ای که «تضعیف باورهای مذهبی» در میان آنان مشهود است.

راهبردهای تعامل و کنش: افراد جامعه مورد مطالعه در خصوص پدیده «باورها و ارزش‌های مذهبی» به دو صورت پذیرش / مقاومت عمل کرده‌اند. از جمله راهبردهای به کار گرفته‌شده در حوزه تغییر و دگرگونی در کمیت و کیفیت باورهای مذهبی و ارزشی مردم، می‌توان به کاهش و یا تضعیف باور به ادعیه و نوشته‌های مذهبی اشاره کرد. کاهش علاقه نسل جوان به شرکت در کلاس‌های مذهبی نظیر فرستادن نوجوانان به کلاس‌های آموزش مذهبی که منتهی به اخذ اجازه روحانی شدن می‌شود نیز از جمله راهبردهای در پیش گرفته‌شده است.

از دیگر راهبردهای مشهود در جامعه مورد مطالعه می‌توان «کاهش مراجعه به شیوخ» و «کاهش استفاده از ادعیه و نوشته‌های مذهبی» را نیز نام برد. بسیاری از رسوم مذهبی تقریباً شکل و ماهیت فرهنگی به خود گرفته‌اند و به‌طور کلی در جامعه مورد مطالعه، «سهل‌گیری» بیشتری در خصوص انجام مناسک مذهبی رواج یافته است.

پیامدهای کنش: از جمله پیامدهای ناشی از تغییر در باورهای ارزشی و مذهبی مردم مورد مطالعه، می‌توان به «تمایلات دنیاگرایانه» و «انتخاب زندگی ناسوتی»، به‌خصوص در میان نسل دومی‌ها و نسل سومی‌ها اشاره کرد. افزایش آگاهی مردم درباره مذهب باعث «تضعیف اقتدار سنتی روحانیون مذهبی و شیوخ» شده است. بالا رفتن سطح تحصیلات مردم و وجود دست‌کم یک یا چند نفر تحصیل‌کرده دانشگاه و همچنین رشد قارچ‌گونه واحدهای کوچک و بزرگ دانشگاهی، مراجعه به اصحاب و مردان دین را که مرجع سنتی مردم بودند، کاهش جدی داده است. البته این تغییرات چندان هم با سهولت صورت نگرفته و مقاومت‌هایی در برابر آن بوده، که خود را به صورت شکل‌گیری گروه‌ها و فرقه‌های تندروی مذهبی — که عمدتاً دارای ریشه شهری‌اند — نشان داده است. یکی از مشارکت‌کنندگان در مباحث چنین می‌گوید:

«...کارهایی که ما سال‌ها پیش انجام می‌دادیم اکنون کسی انجام نمی‌دهد. مثلاً برای رفع بلا و مصیبت، دعا می‌نوشتیم و آن را به درختی در مزرعه آویزان می‌کردیم؛ یا شب، نوزاد تازه به دنیا آمده را محکم می‌بستیم تا «شوه» آن را نذرند، من خودم از کارهای آن دوران خنده‌ام می‌گیرد. جوانان الآن آگاه‌تر از آن دوران هستند» (مرد، ۵۵ساله).

تقریباً دگرگونی ارزشی - هنجاری در بین همه خانوارها دیده می‌شود و با اینکه در برخی خانواده‌ها بیشتر و در برخی دیگر کمتر است، در بین نسل دومی‌ها و به‌خصوص نسل سومی‌ها بیشتر مصداق می‌یابد و میان نسل اولی‌ها ضعیف‌تر است. همین امر از شکاف نسلی بین این دو نسل - به خصوص نسل سوم - با نسل اول حکایت می‌کند. به نظر می‌رسد با گذشت زمان، تغییر در ارزش‌ها و وجه‌نظرهای نسل جدید به تدریج میزان و شدت بیشتری به خود می‌گیرد.

فرایند ساخت و ارائه نظریه: در کدگذاری انتخابی، فرایند روایت داستان، کشف مقوله محوری و مرکزی تحقیق و مرتبط ساختن آن با سایر مقوله‌ها در قالب مدل پارادایمی، اعتبار بخشیدن به روابط در تقابل با داده‌های خام، پر کردن جاهای خالی و تکمیل مقوله‌های فرعی که نیاز به اصلاح، بسط و گسترش دارند و توضیح خط اصلی داستان انجام می‌شود (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵، ۱۲۰-۱۱۸).

روایت داستان: بررسی‌های تاریخ معاصر حاکی از آن است که (قبل از اصلاحات ارضی) افراد نسل‌های مختلف در جامعه روستایی یکسان رفتار می‌کردند، یک‌جور حرف می‌زدند، مثل هم لباس می‌پوشیدند، و طرز تلقی و افکاری کم‌وبیش یکسان داشتند، اما با شروع ارتباط ده با سایر نقاط، تحول آغاز شد. روستاییانی که همواره الگوی‌شان را از نسل قبلی، از راه جامعه‌پذیری و از طریق خانواده و گروه‌های طبیعی اولیه دریافت می‌کردند. به تدریج با ناشناخته‌های پیرامون خود آشنا شدند (طالب، ۱۳۸۴، ۶۶). در نیمه نخست دهه چهل یکی از دهقانان استان کرمان به لمبتون گفت: در سابق از مالک فرمان می‌بردیم، حالا باید از همه کسانی که به ما دستور می‌دهند اطاعت کنیم (فوران، ۱۳۷۸، ۴۷۷ به نقل از کیا، ۱۳۸۶).

تاریخ کردستان به طور اعم و جامعه مورد مطالعه یعنی موکریان به طور خاص، حاکی از آن است که با توجه به ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی منطقه، کردستان در گذشته مرکز تجارت و بازرگانی بوده است. امروزه فروش همه محصولات (مازوج، عسل، موم، ابریشم کلاف‌کرده، گله‌های بزرگ گوسفند، پشم، کره گاو و گوسفند) در خود محل و به دست سوداگرانی صورت می‌گیرد که از بیرون می‌آیند، زیرا سکنه به‌خاطر ترس از گمرک‌چیان از آبادی‌شان بیرون نمی‌روند. در میان این سوداگران، افراد یهودی و ارمنی و ترک تبریزی و ارومیه‌ای و کاشانی نیز هستند که در عوض، کالاهایی هم برای فروش با خود می‌آورند (نیکیتین، ۱۳۷۸، ۱۳۷۷).

مشاهدات تحقیق و به‌خصوص مباحثی که به‌صورت تاریخ شفاهی از زبان معمران روستا بازگو شده‌اند، نشان می‌دهند که اصلاحات ارضی به خودی خود از عمده‌ترین عواملی است که

باعث ایجاد تغییرات زیادی در سلسله‌مراتب اقتدار در جوامع روستایی، تضعیف اقتدار سنتی، و تغییر در مناسبات تولیدشده، که پیامدهای بسیاری نیز به دنبال داشته است. در این میان تأسیس سپاه دانش و روانه شدن تعداد کثیری از معلم‌ها و آموزگاران به دورافتاده‌ترین مناطق روستایی و عرضه تحصیلات و سبک جدید آموزش باعث تغییرات گسترده بعدی شد. این تغییرات سبب شده بود که دو دسته از اقشار متنفذ روستایی - یعنی ارباب‌ها و ملاکان از یک سو و روحانی‌ها از سوی دیگر- با آموزش‌های نوین مخالفت ورزند. شایان ذکر است که هر کدام از این گروه‌های اجتماعی دلایل مختص خود را داشتند و اتحادشان در مخالفت با آموزش‌های نوین عمدتاً حول منافع متضادی شکل گرفته بود. در هر حال هر دو گروه، به هم خوردن مناسبات سنتی را - که نظم سنتی را بازتولید می‌کرد - در جهت تضعیف منافع‌شان تعبیر و تفسیر می‌کردند. یکی از افراد روستا که سابقه آموزش مذهبی محدودی نیز دارد، در این باره چنین به یاد می‌آورد:

«... در گذشته این طور نبود. در بسیاری از روستاها روحانی‌ها به مردم می‌گفتند که فرزندان‌تان را به مدرسه نفرستید، چون در آنجا به آنها «درس شیطان» می‌دهند و آنها را از راه خدا و دین به در می‌کنند. ارباب‌ها هم به نوبه خود وقتی که یک آموزگار به روستا می‌آمد، به او جا و مکان و غذا می‌دادند و در عوض از او می‌خواستند تا به فرزندان عمدتاً ذکور ارباب آموزش دهند. آنها فرزندان رعایا را از تحصیل منع می‌کردند. مسئولان محلی و یا بازرسان اداره فرهنگ هم با این کار چندان مخالفتی نداشتند یا نمی‌توانستند ابراز کنند» (مرد، ۵۰ساله).

عوامل واسطه و مداخله‌گری چون بالا رفتن سطح تحصیلات و ارتقای آگاهی مذهبی مردم بر اثر مواجهه با عوامل شهری و مدرن و نیز تأثیرپذیری از آموزش‌های عمومی کانال‌های ماهواره‌ای عمدتاً گردی بر تغییر در ترجیحات مذهبی مردم و تضعیف اقتدار شیوخ و روحانی‌ها تأثیر بسزایی داشته است. البته هنوز هم روحانی‌ها و با شدت بیشتری برخی از شیوخ سرشناس

منطقه، نظیر شیوخ فرقه‌های زنبیل^۱ و نقشبندی و گسگسک^۲ در میان نسل اولی‌ها ارج و قرب خاصی دارند و می‌توان گفت که هنوز هم خانقاه‌های آنان آباد است، هر چند جایگاه گذشته شان را از دست داده‌اند و به نظر می‌رسد که نسل‌های دوم و به خصوص نسل سوم ارادت چندانی به شیوخ و حتی روحانیون مذهبی^۳ ندارند. شایان ذکر است که در جامعه مورد مطالعه به‌طور سنتی دو دسته از سلوک و طریقت وجود داشته است، گروهی که خود را «صوفی» می‌خوانند و به گفته خودشان به خانقاه شیخ برهان^۴ و گسگسک ارادت دارند. و گروه

۱. زنبیل که لقب مجموعه‌ای از شیوخ نقشبندی است، نام روستایی خوش آب‌وهوا و توریستی- مذهبی واقع در حدود ۲۵ کیلومتری بوکان به سمت سقز است. برای انجام پژوهش حاضر در پاییز سال گذشته به این روستا مراجعه شده است.

۲. روستایی است در حدود ۱۵ کیلومتری پیرانشهر که محل تولد و زندگی شیخ طه است. وی در اوایل انقلاب به خارج از کشور رفت و در دهه هفتاد به ایران برگشت و اینک در شهر ارومیه خانقاه دارد. خانقاه وی هنوز هم دایر است و پیروان چندی دارد و به‌خصوص در فصل پاییز محل مراجعه صوفیان است.

۳. شایان ذکر است که به‌طور سنتی بین شیوخ و روحانی‌های مذهبی همواره به اصطلاح «شکرآب» بوده است و هیچ‌گاه میانه خوبی با یکدیگر نداشته‌اند. این مسئله برای مردم منطقه همواره جای پرسش بوده است ولی سعی کرده‌اند که به نوعی با آن کنار بیایند. به نظر محقق، دلیل این امر شاید در رقابت آنها برای تصاحب مزایای اجتماعی باشد. به نظر می‌رسد که مسئله آنها رقابت بر سر تصاحب سهم بیشتری از قدرت، ثروت و منزلت است.

۴. برهان نام روستایی است واقع در جاده مهاباد - بوکان. خانقاه شیخ برهان هم که از شیوخ مورد احترام و دارای پیروان زیادی در منطقه و حتی بیرون از منطقه است، در روستایی به نام «خانقاه» قرار دارد. محقق برای نخستین بار و به‌منظور انجام همین تحقیق و با هدف مصاحبه با افراد و شناخت منطقه به روستای خانقاه مراجعه کرد؛ هنوز هم آباد است و زوار چندی از زن و مرد از شهرهای دور و نزدیک به آنجا مراجعه می‌کنند. سال‌ها از فوت شیخ می‌گذرد و اکنون کسی از ارادتمندان وی رسماً شیخ خانقاه شمرده نمی‌شود. خانقاه مذکور برای زوار مرد و زن دارای جایگاه عبادت و استراحت است. از نکات مهم و جالبی که توجه محقق را نیز به خود جلب کرد، قبرستان بسیار آباد این خانقاه است. افراد زیادی از گوشه و کنار منطقه و حتی کشور وصیت می‌کنند که در این محل دفن شوند.

دیگری که خود را «درویش» می‌نامند و به خانقاه شیوخ زنبیل ارادت دارند. طی سال‌های گذشته از شدت و حدت مراسم دراویش و حلقه ذکر صوفیان بسیار کاسته شده است ولی همچنان در میان نسل اولی‌ها «خانقاه» مکانی مقدس و شیخ فردی متدین و صاحب کمالات و احترام به شمار می‌آید، تا جایی که بسیاری از این افراد در مواردی به صورت تکیه کلام جملاتی از قبیل: «یا شیخ»، «یا شیخ برهان» و «یا باباشیخ» را به هنگام مواجهه با بلا یا مشکلات احتمالی بر زبان می‌آورند و بدین وسیله ضمن بیان ارادت خود به شیخ از وی استمداد و مساعدت معنوی می‌طلبند.

البته در گذشته که خانقاه‌ها آبادتر بودند، مردم معمولاً در فصل پاییز و پس از فصل برداشت محصول و فرارسیدن اوقات فراغت نسبی، هدایایی را برای شیخ به خانقاه می‌بردند و یا مریدان و زبردستان شیخ روستا به روستا می‌گشتند و هدایای رعایا و دهقانان را تحت عنوان زکات برای شیخ و خانقاه جمع‌آوری می‌کردند. شیان ذکر است که شیوخ خود از ملاکان بنام و متمول منطقه بودند و هر کدام مالکیت چندین روستا را در اختیار داشتند. طبق گفته‌های مصاحبه‌شوندگان - و همان‌طور که ذکر شد - معمولاً روابط شیوخ و روحانی‌های مذهبی به نوعی «شکرآب» بود و مشخصاً روحانی‌ها میانه‌چندان خوبی با شیوخ نداشتند. دلیل این امر می‌تواند رقابت بر سر منافع و کسب جایگاه اقتدار باشد. در این زمینه ذکر این نکته لازم است که گروه‌های «راست‌آیین» یا پیروان فرقه مذهبی موسوم به «مکتبی یا سلفی» نیز با شیوخ - که رهبران سنتی مردم‌اند و شدیداً طرفدار سنن و آیین‌ها و تشریفات مذهبی‌اند - میانه خوبی ندارند.

ظهور پدیده‌های اجتماعی در جامعه کردستان یک‌سویه نبوده بلکه آن پدیده‌ها نیز به تبع ویژگی‌های جامعه کردستان تغییر و تحول یافته‌اند. از یک طرف جامعه کردستان از مدرنیته و مظاهر آن تأثیر پذیرفته و از سوی دیگر، مدرنیته نیز در جامعه کردستان متحول شده است؛ تا جایی که می‌توان از مدرنیته‌گردی با ویژگی‌های مربوط به خود سخن راند. از طرف دیگر، هر چند اسلام نیز مقارن با ورودش به کردستان با مخالفت‌های شدیدی مواجه شد و هیچ‌گاه با

سهولت و بدون دردسر در میان کردها پذیرفته نشد، اما همواره بخشی از هویت کردها بوده است. اسلام در کردستان در خدمت فرهنگ قرار گرفته است و به همین تعبیر به میزان زیادی «کوردیزه» شده است. در واقع در کردستان دستگاه مفهومی سه‌وجهی با تعامل پویا بین وجوه آن حاکم است که عبارت‌اند از فرهنگ و هویت کردی، فرهنگ اسلامی، و فرهنگ و مظاهر غربی. برحسب شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه کردستان در هر زمان فرادستی یا فرودستی یکی از این وجوه مشاهده می‌شود.

ماحصل ورود عناصر مدرن به جامعه روستایی موکریان و تأثیر عوامل علی و مداخله‌گر در فرایندهای تعامل، سمت‌وسوی تغییرات را به سمت پدیده اصلی تحقیق یعنی «تغییرات ارزشی - هنجاری در زیست‌جهان فرد روستایی» هدایت کرده است. ویژگی‌های تغییرات پدیدآمده به گونه‌ای است که می‌توان مهم‌ترین یافته نظری پژوهش حاضر را با نام «تئوری شبه‌مدرنیسم روستایی» و با مختصات ایرانی - کردی فرمول‌بندی کرد. طبیعتاً این نظریه می‌تواند گام آغازینی در نظر گرفته شود و باب جدیدی را در مناقشه‌های علمی در خصوص تغییرات اجتماعی در جامعه روستایی ایران بگشاید و مورد نقد و نظر پژوهشگران قرار گیرد.

منابع

- احمدرش، رشید، ۱۳۸۱، درآمدی بر موانع فرهنگی و اجتماعی توسعه در کردستان، مطالعه موردی؛ شهرستان پیرانشهر، فصلنامه تحلیلی-پژوهشی زاگرس، سال اول، شماره اول، صص. ۴۲-۵۳.
- ، ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی توسعه، مؤسسه نشر کلمه، تهران.
- ، ۱۳۷۸، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، اطلاعات، تهران.
- ، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی توسعه، چاپ سوم، تهران، مؤسسه نشر کلمه.
- ازکیا، مصطفی و ایمانی جاجرمی، حسین، ۱۳۹۰، روش‌های کاربردی تحقیق، کاربرد نظریه بنیانی، جلد دوم، انتشارات کیهان، تهران.

رشید احمد رش و یاسمن توحیدیان ————— مذهب و مدرنیته در کردستان؛ تحلیل جامعه‌شناختی اثرگذاری ...

ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی، ۱۳۸۶، رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق کیفی در توسعه روستایی، نشر نی، تهران.

اشتراوس، آنسلم و کوربین، جولیت، ۱۳۸۵، اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

برونسن، مارتین وان، ۱۳۷۸، جامعه‌شناسی مردم کرد (آغا- شیخ - دولت)، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پاییز.

بلیکی، نورمن، ۱۳۸۴، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، تهران.

بیتس، دانیل، ۱۳۸۵، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر نی، تهران.

ذکائی، محمدسعید، ۱۳۸۱، نظریه و روش در تحقیقات کیفی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۷، صص. ۶۲-۵۶.

راندل، جانانان، ۲۰۰۲، تحلیل مسائل سیاسی کردستان، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانید، تهران.

سایر، آندرو، ۱۳۸۵، روش در علوم اجتماعی، رویکردی رئالیستی، ترجمه عماد افروغ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

طالب، مهدی با همکاری موسی عنبری، ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی روستایی ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، دانشگاه تهران.

طالب، مهدی، ۱۳۸۲، جامعه‌شناسی روستایی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

فلیک، اوه، ۱۳۸۸، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، چاپ دوم.

فوران، جان، ۱۳۷۷، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، رسا، تهران.

کوچرا، کریس، ۱۳۷۷، جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، انتشارات نگاه، تهران.

کومار، کریشان، ۱۳۸۱، مدرنیزاسیون و صنعتی‌شدن، ترجمه منصور انصاری، در کتاب جامعه سنتی و جامعه مدرن، ویراسته مالکوم واترز، تهران.

لفت ویج، آدریان، ۱۳۷۸، *دموکراسی و توسعه*، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، طرح نو، تهران.
محمدپور، احمد و رضایی، مهدی، ۱۳۸۸، *درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به منطقه اورامان کوردستان به شیوه پژوهش زمینه‌ای*، فصلنامه انسان-شناسی، سال اول، دوره چهارم، صص. ۶۱-۵۴.

محمدپور، احمد، ۱۳۸۳، *بررسی جامعه‌شناختی / تطبیقی فرایند و وضعیت کم‌توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی در کردستان ایران (در دوره‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵)*، فصلنامه ادبی/اجتماعی زریبار، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۵۵، صص. ۲۹-۲۳.

محمدپور، احمد، ۱۳۸۶، *فرایند و پیامدهای نوسازی و تغییر و تحولات اجتماعی، مطالعه موردی: شهرستان سردشت، نامه انسان‌شناسی*، دوره اول، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص. ۴۶-۳۳.

محمدپور، احمد، ۱۳۹۰، *ضدروش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*، جلد ۲، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.

مک داوول، دیوید، ۱۳۸۶، *تاریخ معاصر کرد*، ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ سوم، نشر پانید، تهران.

مور، ویلبرت، ۱۳۸۱، *تغییر اجتماعی*، ترجمه پرویز صالحی، انتشارات سمت، تهران.

میر، جرال و استگلیتز، جوزف، ۱۳۸۴، *آینده در چشم‌انداز پیشگامان اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، نشر نی، تهران.

نیکیتین، واسیلی، ۱۳۶۶، *گرد و کوردستان*، ترجمه محمد قاضی، چاپ دوم، انتشارات نیلوفر، تهران.

ورسلی، پیتر، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی مدرن*، ترجمه حسن پویان، جلد اول.

Alasutari, P., 1996, **Researching Culture: Qualitative Method and Cultural Studies**, London: sage.

Cambell, M.J., 2008, **New Technology and Rural Development: the social impacts**, Rutledge, London.

Cambell, M.J., 2008, **New Technology and Rural Development: the social impacts**, Rutledge, London.

Fronzosi, R., 1998, **Narrative Analysis for Why (and how) Sociologists**, Vol. 24. PP. 98-108.

Kalogeraki, S., 2009, **The Divergence Hypothesis in Modernisation Theory across Three European Countries: the UK, Sweden and Greece**, Culture Unbound, Volume 1, PP. 161-178.

Poo, E. Paul, 2004, **The Process of Modernization in Rural Areas and the Reasons for the Crisis Ethical System**, Auckland University of Technology.